

وظیفه علم حقوق چیست ؟

وظیفه دارد تا به بررسی و تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول و تکامل آنها بپردازد ، علم حقوق یکی از شاخه های برتر علوم انسانی و یا شاید سرآمد آنها باشد.

قواعد حقوق :

- ۱- مبنا و هدف حقوق .
- ۲- اوصاف قاعده حقوقی
- ۳- علم حقوق و تقسیمات آن
- ۴- منابع حقوق
- ۵- قلمرو اجرای قواعد حقوقی

مکتب حقوق فطری سه عصر را گذرانده است:

- ۱- عصر مذهبی: خود شامل سه قانون: ۱- الهی ۲- فطری ۳- بشری است.
- ۲- عصر خودگرایی.
- ۳- عصر تجربی.

مکاتب :

- ۱- مکاتب با نظریه اصالت فرد
- ۲- مکاتبی با نظریه اصالت جمع تاریخی تحقیقی

هر دو مکاتب تاریخی و تحقیقی خصوصیات واحدی دارند:

- ۱- هر دو رد حقوق فطری را واجدانند (یا فردی)
- ۲- اتکالی به حقوق تحقق یافته در اجتماع.

نظریه این مکاتب:

- ۱- ملت سازنده این حقوق است.
- ۲- ملت مفهوم واحدی است که نسل های پیاپی آن را شامل می شود.
- ۳- حقوق بازتاب نیاز های عمومی است که بتدریج در طول تاریخ بوسیله ملت ایجاد می شود.

اشباهات مکاتب تاریخی:

- ۱- حقوق نتیجه قهری زندگی اجتماعی نیست.
- ۲- در شمار اعمال غیراداری ملت ها نیست.
- ۳- حقوق پدیده ای ناشی از عقل است.
- ۴- حقوق وسیله ای برای رسیدن به هدف است.
- ۵- طبیعت آن را خود به خود نیافریده است.

مکتب تحقیقی خود به دو شاخه تقسیم می شود :

مکتب تحقیقی اجتماعی :

- ۱- نیروی اعزام کننده حقوق ناشی از قدرت دولت نیست.
- ۲- برای یافتن قواعد حقوقی باید به بررسی حقوق زنده مکتب تحقیقی حقوقی و وقایع اجتماعی پرداخت .
- ۳- آرمان های حقوقی یا تخیل حقوق دانان را نباید با واقعیت های اجتماعی یکی دانست.
- ۴- حقوق به معنای دولت صرف اشتباه است .
- ۵- عرف و قواعد عرضی چیزی از قوانین دولتی کم ندارد.
- ۶- وسیله کشف و احراز قواعد اجتماعی تجربه و مشاهده جامعه شناسی است و حقوق شاخه ای از آن است.

اشباهات مکتب تحقق اجتماعی:

- ۱- حقوق بی نیاز از جامعه شناسی نیست ولی علم حقوق همه اش جامعه شناسی نیست.
- ۲- جامعه شناسی وسیله ای در اختیار حقوق داده است و تلاش برای اجرای عدالت هدف حقوق است .

- ۳- حقوق علم اوامر و نواهي است ولي جامعه شناسي علم تجزيه و تحليل است.
- ۴- حكومت از هنر خویش براي حفظ نظم استفاده مي كند فرمانده است نه فرمانبردار .
- ۵- عرف هم قانون گذار را مجبور مي سازد ولي تنها سازنده مباني حقوق نيست.
- ۶- قاعده حقيقي بايد الزام آور باشد و نه وسيله اي براي آزمون و خط.

مكتب تحقق حقيقي:

- ۱- حقوق مجموعه قواعدي است كه از طرف دولت وضع و اجراي آن تضمين مي شود.
- ۲- آنچه از نظر حقوق دانان مهم است قانون موضوعه است.
- ۳- صرف وجود قانون چه خوب و يا چه بد باشد مهم است و وضع آن از طرف دولت مهم و تعيين كننده است.
- ۴- آرمانهاي حقيقي نمي تواند با حقوق موضوعه معارضه نمايد.
- ۵- حقوق كه ناشي از عمل دولت است الزاماتي دارد و دولت از و ارزشها در وضع قانون بهره مي برد.
- ۶- تا قاعدهاي را دولت حمايت نكند هر چند بسيار با ارزش باشد به قاعده اي الزام آور تبديل نمي شود .

اشتباهات مكتب تحقيقي حقيقي:

- ۱- حقوق را منكي به دولت دانسته است .
- ۲- به ساير منابع حقيقي بي توجه مانده است.
- ۳- قواعد موضوعه حقيقي هميشه كامل و مانع نيستند.

نتايج مكاتب تحقيقي:

- ۱- مبناي مستقيم حقوق اراده دولت است.
- ۲- مردم ، دادرس و حقوق دان نمي توانند قاعده حقيقي را به لحاظ مخالفت با حقوق فطري عمل نمايند.
- ۳- وظيفه حقوق فقط شرح و قوانين و جستجوي اراده قانون گذار نيست.
- ۴- وظيفه حقوق دان تلاش در راه شناسايي و اجراي عدالت است .
- ۵- قواعد عرفي وقتي به كمال مي رسند كه از طرف دولت مقبول و حمايت شوند .

نيروهاي سازنده حقوق :

- ۱- عوامل اقتصادي
- ۲- عوامل اخلاقي - مذهبي
- ۳- آرمانهاي سياسي و اجتماعي

نظرات مكاتب فردي :

- ۱- انسان آزاد آفريده شده و حق فعاليت آزادانه مادي و معنوي دارد .
- ۲- بايد حدودي براي آزادي افراد بوجود آيد .
- ۳- آزادي هر فرد تا آزادي ديگران است .
- ۴- حق افراد تحت هر شرايطي محترم شمرده مي شود .
- ۵- در برابر هر حق براي سايرين تكليف ايجاد مي شود .
- ۶- حقوق وظيفه هماهنگي آزادي ها را بر عهده دارد .
- ۷- جامعه امر فردي و ناشي از قرارداد اجتماعي است كه بين افراد وجود دارد .
- ۸- وجود اين قرارداد باعث حفظ حقوق افراد توسط دولت هاست .
- ۹- سلطه واقعي با ملت است نه دولت .

حق:

امتياز و بهره اي كه انسان در چارچوب آن آزاد است كه انسان قدرت خود را اعمال كند . نشان دهنده اختيار آدمي است به فعليت بخشيدن تواناييهاي خود در عرصه اجتماع .

تكليف:

چهره ديگر حق است و به تعبيري روي ديگر سكه حق مي باشد ، در مقابل هر حق و تكليفي موجود است . و در هر موردی كه قانون حقي را براي كسي به رسميت بشناسد به ناچار تكليفي براي ديگري بوجود مي آيد . بسته به نوع حق محتوي تكليف متفاوت است .

نقد نظریه قرارداد اجتماعی :

- ۱- جامعه زاینده توافق صنمنی اشخاص است و وجود طبیعی و اصیل ندارد).
- ۲- برای ادامه زندگی بشر ضروری نیست .
- ۳- فقط عده ای محدود آن را تحوئی تاریخی خوانده اند .
- ۴- بیشتر نویسندگان حقوئی آن را یک امر فرضی می دانستند .

عدالت در مکتب فطری:

- ۱- افراد از نظر حقوئی با هم برابر و مستقل اند .
- ۲- وظیفه حقوئی همزیستی افراد و منظم ساختن آنان است .
- ۳- عدالت مفهومی جز برابری و تناسب سود و زیان معاملات نیست (عدالت معاوضی است).
- ۴- آن چه طرفین قرارداد عادلانه ببینند همان عدالت است .
- ۵- امکان بسته شدن قرارداد غیر عادلانه وجود ندارد .

نتایج نظریه افطری از سه منظر سیاسی ، اقتصادی ، حقوئی :

منظر سیاسی :

- ۱- همه قوای مملکت ناشی از اراده ملت است .
- ۲- وظیفه دولت تأمین حداکثر آزادی است .
- ۳- هر چه مانع تحقق اراده ملت و واسطه های آن هستند باید حذف شوند .

منظر اقتصادی :

- ۱- رقابت تجاری مبنای کارهای اقتصادی است .
- ۲- دولت نباید در اقتصاد دخالت کند .
- ۳- قیمت ها را عرضه و تقاضای اقتصادی مشخص می نماید .

منظر حقوئی:

- ۱- اراده هر فرد روح قواعد حقوئی است .
- ۲- قرارداد منعقد اشخاص مبنای اصلی سازمانهای حقوئی و شکل های قراردادی است .
- ۳- دولت باید مجری و حامی حقوئی افراد باشد .
- ۴- در مورد روابط حقوئی خانوادگی ملاک آزادی هر فرد است .

انتقادات وارده بر مکتب فردگرایی (فطری)

- ۱- جامعه از افراد برابر تشکیل نشده و عده ای با ثروت و قدرت فوق العاده حقوئی اکثریت را تضییع می نماید . و آزادی به تنهایی تأمین کننده نیازهای بشری نیست .
- ۲- اصل حاکمیت اراده تأمین کننده روابط عادلانه نیست .
- ۳- از نظر مبانی حقوئی و ارزشهای اخلاقی ، مطلق بودن آزادی مفاسه زیادی دارد .

مکتب های حقوئی اجتماعی و دولتی :

نقاط مشترک این نظریه ها :

- ۱- همه آنان مبانی حقوئی فردی را نفی می کنند .
- ۲- هدف قواعد حقوئی تأمین سعادت اجتماعی و تحقق نظم در روابط اشخاص جامعه است .
- ۳- حقوئی محصول زندگی اجتماعی فرد است و این جنبه مشترک همه انسانهاست .
- ۴- جامعه یک مفهوم اعتباری نیست .
- ۵- صرف آزادی فرد سودی به حال جامعه ندارد .
- ۶- اغلب اوقات حفظ حقوئی اجتماع منوط به محدود سازی حقوئی فردی است .

مفهوم عدالت در نظریه اجتماعی

- ۱- فرد خارج از اجتماع قابل تصور نیست.
- ۲- قواعد حقوقی تکلیف فرد را در برابر جامعه روشن می سازد.
- ۳- دولت وظیفه گسترش عدالت را دارد . (عدالت توزیعی)

نقد نظریه حقوق اجتماعی:

مزایا :

- ۱- جلوی افکار تند طرفداران حقوق فطری را گرفته است.
- ۲- در حقیقت عرضه و تقاضا تأمین کننده واقعی عدالت نمی توانند باشند.
- ۳- حق در این نظریه موهبت الهی و یا فطری نیست بلکه تأمین کننده منابع جمعی است و افراد حق و آزادی اعمال هر کاری را دارند.

معایب :

- ۱- قدرت بی انتهای دولت و ناچیز شمردن حق فردی خطرناک و عملاً تضعیف کننده حقوق فردی است.
- ۲- حربه قانون و وجود وسایل تولید در اختیار دولت خطرناک است.
- ۳- وجود سیاست ، قدرت ، ثروت در دست عده ای حاکم باز خطرناک است.
- ۴- غرور ملی کاذب ایجاد می شود که باعث برهم زدن نظم اجتماعی جهانی می شود.
- ۵- حکومت های سوسیالیستی در عمل ضایع کننده مبانی تئوریک حقوق اجتماعی بوده اند .

مفهوم دولت و حقوق چه ارتباطی با هم دارند ؟

دولت چیست و معنای آن چه می باشد ؟

- ۱- دولت به مفهوم عام متشکل است از تمامی نهادهای دولتی که اعمال حاکمیت اجتماعی دارند ، قوه ای سه گانه به طور عام دولت تلقی می شوند و واسطه بین فرد و اجتماع هستند و سلطه داخلی دارند .
- ۲- مفهوم خاص دولت : هیئت وزیران که شامل رئیس جمهور و هیئت وزیران بوده و به طور خاص تبلور دولت می باشد .
- ۳- سازمانهای دولتی و شرکت های دولتی گاهی کارهای دولتی نیز (اعمال حاکمیتی) انجام می دهند .

شخصیت حقوقی دولت :

ارکان داشتن شخصیت:

- ۱- وجود اراده و تصمیم
- ۲- قدرت اجرای تصمیم
- ۳- دارا بودن تابعیت
- ۴- اقامتگاه و قابلیت شناسایی

شخص حقوقی:

حقوق عمومی : شخص حقوقی عمومی (شخص حقوقی دولتی شامل ، اداره آب ، برق شرکت نفت و . . .  
حقوق خصوصی : شخص حقوقی حقوق خصوصی ، شرکت ها ، مؤسسات و دستگاههای خصوصی .

تفاوت شخص حقوق و خصوصی :

- ۱- شخص حقوقی محدودتر است .
- ۲- تصمیمات آن بوسیله اشخاص حقیقی اتخاذ می شود .
- ۳- شخص حقوقی همانند افراد شخصیت وجودی و عدمی می یابد اما ضوابط دارد .
- ۴- تصمیمات شخصیت حقوقی با فوت تصمیم گیرندگان زایل نمی شود .
- ۵- قانون اساسی و قانون عادی گویای صلاحیت ، حدود اختیارات افراد قوا و سازمان های دولتی می باشد.

حاکمیت دولت:

مفهوم حاکمیت عبارت است از : سلطه و قدرتی که دولت برای اداره جامعه در اختیار دارد ، محدود نبوده و برتری ویژه ای نسبت به سایر

تصمیمات اجتماعی دارد .

ویژگی های حاکمیت :

- ۱- اقتدار و چیرگی
- ۲- تسلط بر افراد جامعه

الزامات حاکمیت : (باید این دورکن وجود داشته باشد .)

- ۱- مشروعیت
- ۲- مقبولیت

مبانی حاکمیت یا حکومت : (حکومت بایستی دارای این مبانی باشد . )

- ۱- دارا بودن قدرت
- ۲- دارا بودن مشروعیت
- ۳- دارا بودن مبانی اخلاقی ، ملی یا مذهبی

پیش شرط های حاکمیت :

- ۱- دارا بودن حاکمیت مطلق ، توسط دولت که پاسخگو نباشد منسوخ شده است .
- ۲- حاکمیت باید محدود به شرایطی باشد و لجام پذیر باشد .

نظریات مربوط به حکومت :

- ۱- نظریه آزادی خواهان
- ۲- نظریه دولت مذهبی .

نظریه آزادی خواهان:

حاکمیت از آن ملت است و دولت نماینده و کارگزار آنان است و انتخاب حاکمان با ملت است .

نظریه دولت مذهبی:

حاکمیت از آن خداست که به ملت واگذار شده است ، (اصل ۵۶ ق ۱۰ .)

نقاط مشترک:

- ۱- حاکمیت متعلق به ملت است .
- ۲- دولت عامل اجرایی است .
- ۳- مصالح عموم پایه رعایت شود .

نقاط تضاد:

- ۱- در حکومت مذهبی مردم منشأ نیستند خدا منشأ است .
- ۲- محدوده عمل ، به فرامین الهی متکی است .

نقد و نتیجه گیری نظریات حاکمیت :

- ۱- در نقطه مقابل بحث حاکمیت عده ای معتقد به وجود دولت حاکم نیستند و عده ای معتقد به دولت خادمند .
- ۲- تفکیک قوا در عمل به درستی اعمال نمی شود و قدرت عمومی دولت جایگزین قدرت ملت می شود .

نتیجه گیری :

- 1-باید حاکمیت دولت محدود شود تا آزادی های عمومی تضييع نگردد .
- 2-میتوان دولت را با مبانی اخلاقی ، مذهبی ، آرمان جهانی و حقوق فطری مساوی محدود ساخت .

رابطه دولت و مذهب:

- ۱- دولت مقید به اخلاق و مذهب
- ۲- دولت در کنار اخلاق و مذهب

### ۳- دولت حاکم بر اخلاق و مذهب

آیا دولت سازنده حقوق است یا حقوق سازنده دولت است؟  
دو نظریه است:

- ۱- دولت تمام چهار چوب های خود را از حقوق می گیرد .
- ۲- حقوق ساخته و پرداخته قدرت حاکم است .

اوصاف قاعده حقوقی:

- ۱- قاعده حقوقی الزام آور است .
- ۲- رعایت قاعده حقوقی از نظر دولت تضمین شده است .
- ۳- قاعده حقوقی کلی و عمومی است .
- ۴- حقوق یک نظام اجتماعی است .

ارکان الزام آور بودن قاعده حقوقی :

- ۱- نفس قاعده الزام را در پی دارد .
- ۲- در خود تکلیف مکلفان را روشن می سازد .
- ۳- بعضی از قواعد امری و مطلق هستند .
- ۴- برخی تکمیلی و بعضی تفسیری هستند .
- ۵- قانون نصیحت کننده نیست .
- ۶- مذهب و اخلاق هم الزام دارند ولی الزام آنها همانند حقوق نیست .

ضمانت اجرای قانون حقوقی :

- ۱- ضمانت اجرا زمینه ساز نظم اجتماعی است .
- ۲- در بعضی قواعد حقوق بین الملل الزام وجود ندارد .
- ۳- در بعضی قواعد داخلی هم الزام وجود ندارد .

اوصاف قاعده حقوقی:

- ۱- قاعده حقوقی الزام آور است .
- ۲- رعایت قاعده حقوقی از طرف دولت تضمین شده است .
- ۳- قاعده حقوقی کلی و عمومی است .
- ۴- حقوق نظام اجتماعی است .

وسایل اجبار قواعد :

- ۱- کیفر متجاوزان
- ۲- اجرای مستقیم قاعده
- ۳- بطلان اعمال حقوقی (بطلان عمل های حقوقی)
- ۴- مسئولیت مدنی

ارکان کلی بودن:

- ۱- عام الشمول بودن قانون به افراد و مصادیق
- ۲- موضوع حقوق احکام عام الشمول است .
- ۳- انتشار قانون زمینه عام بودن آن است. ۲، ۲، ق.م. ۱۵ روز پس از انتشار قانون، قانون عام می شود. (قانون اساسی ، آئین نامه های اجرایی، تصویب نامه های هیئت دولت، فیش نامه های وزیران. )

حقوق یک نظام اجتماعی است:

- ۱- هدف حقوق تنظیم روابط اجتماعی است .
- ۲- فقط جنبه های زندگی انسان به حقوق معطوف است نه جنبه های فردی .
- ۳- اگر فردی به تنهایی زندگی کند نه حقی دارد نه تکلیفی .

حق :

عبارت است از :

تعریف قاعده حقوقی:

قاعده ای الزام آور است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت به زندگی اجتماعی انسان جهت داده و بر آن حکومت می کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین شده است

رابطه حقوق با سایر قواعد اجتماعی:

۱- رابطه حقوق و اخلاق

۲- رابطه حقوق و مذهب

۳- رابطه حقوق و عدالت

تعریف اخلاق:

قواعدی که رعایت آنها برای نیکوکاری و رسیدن به کمال انسانی لازم است و بدون قوه اجبار بیرونی قابل اجراست و دارای ارزش ذاتی است و برای شکوفایی روحی انسان مفید است .

اخلاق دارای معیارهایی است که عبارتند از :

۱- اخلاق و برتر از رسوم و عادات اجتماعی است .

۲- ثابت با دوام ولی تحول پذیرند .

۳- اخلاق رهبر مردم است .

۴- در جوامع مختلف مقبول هستند .

رابطه حقوق و اخلاق:

۱- قانون گذار از قواعد اخلاقی پیروی و آنرا رعایت می کند .

۲- ریشه خیلی از قواعد حقوقی ، اخلاقی است .

۳- دولت گاهی قواعد اخلاقی را الزام حقوقی می بخشد (احترام فرزند به والدین م 1177 ق.م. رفتار اخلاقی زوجین در تربیت فرزندان م. 1178 ق.م.)

تفاوت اخلاقی و امور حقوقی :

۱- تفاوت در هدف:

هدف اخلاق تعالی روح است و هدف حقوق نظم و عدالت اجتماعی

۲- تفاوت در قلمرو:

قلمرو اخلاق مسائل فردی است و حقوق در مسائل اجتماعی دخالت دارد .

۳- تفاوت ضمانت اجرا:

۴- بحث مصادیق:

در بعضی موارد همانند حدودچک (نوشتن چک) هیچگونه بحث اخلاقی مطرح نیست .

حقوق و مذهب:

مذهب اعتقاد و التزام و یا وضعیتی روحی است که حرمت آمیز است و آن را خشیت نیز می گویند . و این یعنی کوشش است برای آن که حقیقت کامل خبر را در تمام وجود و هستی مان بارز می کند . این اعتقاد به خدایی زنده است که حاکم بر جهان و انسان است و با انسان مناسباتی دارد .

معیارهای مذهب:

۱- یکی از نیروهای سازنده حقوق است .

۲- انسان های زیادی تابع مذهب هستند و روح مذهب پرستش است .

۳- مذهب آرمانهای بلند رفتار اجتماعی دارد .

۴- جایگزین فقدان حقوق موضوعه می شود .

۵- مذهب فقط به امور اخلاقی نمی پردازد .

۶- مذهب زمینه و منبع اخلاق است و اخلاق زمینه ساز حقوق است .

۷- قواعد مذهبی به لحاظ آفریت جمعی سریعاً به حقوق پیوند می خورد .

رابطه حقوق و مذهب :

- ۱- حقوق در متن دین ریشه می یابد .
- ۲- اکثر مذاهب به اوامر و نواحي حقوقي اقدام می کنند .
- ۳- بیشتر جنبه های شخصي با قلمرو مذهبي تفکیک ناپذیرند .
- ۴- دین برای خیلی از مشکلات بشري رهنمون دارد .

تفاوت مذهب و حقوق:

- ۱- منشأ قواعد مذهبي احکام الهي است .
- ۲- قانون از عقل بشري سرچشمه می گیرد .
- ۳- قلمرو دین وسیع تر از حقوق است .
- ۴- هدف دین ریشه معنوي و اجتماعي بشر است .
- ۵- ضمانت اجراي قواعد ديني ثبت است ولي حقوق منفي است .
- ۶- دین در قواعدهش به فطرت توجه دارد .

حقوق و عدالت:

عدالت:

- ۱- رعایت اعتدال در کارها و رعایت حد متناسب در برخورداری آحاد جامعه از امکانات.
- ۲- نهادن هر چیز در جای خود .
- ۳- نظام مبتنی بر رعایت انصاف و اقامه عدل و تقسیم و توزیع مناسب و اعمال مساوي محدودیت ها برای واجدان آن.

معیارهای عدالت :

- ۱- عدالت نسبی است .
- ۲- عدالت جمع دو امر متضاد است .
- ۳- عدالت در تمام مذاهب به عنوان مدینه فاضله مطرح شده .
- ۴- تحقق عدالت بسترهای خاص نیاز دارد .
- ۵- جامعه و فرد محتاج اجرای عدالت هستند .
- ۶- معیار عدالت همیشگی نیست .
- ۷- وجود نظم اولیه برای تحقق عدالت ضرورت دارد .

ارتباط حقوق و عدالت:

- ۱- دولت ناگزیر از اجرای قواعد حقوقي عادلانه است .
- ۲- اجرای عدالت در جامعه نظم حقوقي را در پی دارد .
- ۳- گسترش عدالت هدف حقوق است .
- ۴- مکاتب حقوقي همه دنیال بسط عدالت بوده اند .
- ۵- نظام عادلانه ، نظام سالم است .

تفاوت های حقوق و عدالت:

- ۱- عدالت از نظر گروههای اجتماعي و قانون گذار تفاوت در هدف ، قلمرو و تعریف دارد.
- ۲- عدالت يك مفهوم اخلاقي است ولي حقوق مفهومي اجرائي است .
- ۳- مفهوم عدالت همیشه از طرف دولت تضمین شده نیست .

حقوق و شاخه های آن:

حقوق علم است یا هنر:

هنر رسیدن به هدف متعالی بر پایه ابداع فکر بشري برای رسیدن به کمال مطلوب حقوق علم یا فني است ؟



فني است که جنبه قواعد علمي در عرصه عمل بکار گرفته شود .

روشهاي مختلف تحقيق در علم حقوق:

۱- روش قانونگذاري

۲- دادرسي

۳- تعليم

ویژگی های روش تحقیق حقوق :

۱- بایستی با استفاده از سایر علوم بهترین قواعد را کشف و ارائه نماید .

۲- قانون بایستی به نحوی تنظیم شود که قابل فهم عموم باشد .

۳- باید صریح باشد .

۴- حلال مشکلات باشد .

۵- متناسب با شرایط و غیر متناقض باشد .

حقوق ارسالی

حقوق اداری

حقوق داخلی (ملی) حقوق مالیه

حقوق کار

حقوق جزء و آئین داورى کيفرى

حقوق حقوق خصوصي(حقوق مدني،حقوق تجارت،حقوق ثبت،آئین داورى مدني)

حقوق بین الملل عمومی

حقوق خارجي(بین الملل) حقوق بین الملل خصوصي

حقوق جزاي بین الملل

طریقه تشخیص حقوق خصوصي از حقوق عمومي:

۱- تصدی گری

۲- حاکمیت

قانون عام:

همة قواعد حقوقی را گویند : آئین نامه : قانون مجلس ، تصویب نامه ، بخشنامه ، نظام نامه.

قانون خاص:

مصوبه مجلس – نتایج همه پرسى

مبنای طبقه بندی قوانین:

۱- عادی

۲- اساسی

۳- احکام و نظامنامه های ارادی

قانون عادی:

قانونی است که توسط مجلس تصویب می شود .

روند تصویب قوانین عادی :

تهیه پیش نویس تحت عنوان طرح و لایحه مطرح شدن در کمیسیونهای تخصصی یا در صحن علنی مجلس و پس از تصویب در مجلس به شورای نگهبان ارجاع می شود .

پس از تأیید شورای نگهبان مصوبه به امضای رییس جمهور رسیده و ابلاغ می شود .

در صورت رد و مخالفت مجلس با نظر شورای نگهبان مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع می شود . پس از تصویب در هر صورت پس از ارسال به ریاست جمهوری جهت توشیح و فرمان اجرای قانون را صادر کند تا ۵ روز فرصت دارد در صورت استتکاف ریاست جمهوری ریاست قوه مقننه مصوبه را توشیح خواهد کرد پس از آن به مرحله انتشار خواهد رسید قاعده انتشار بر اساس قاعده قبح عقاب بلا بیان است .

فقط قانون نشر مي شود ولي آئين نامه ها ، بخش نامه ها و نظام نامه ها نياز به انتشار ندارند . عهدنامه ها پس از تصويب مجلس در حكم قانون اند .  
قانون پس از ۱۵ روز از انتشار در داخل و خارج لازم الاجرا است .  
قانون را مجلس و آئين نامه ، نظام نامه ، بخش نامه ها مصوبات وزرا و دولت را تاييد مي کنند .  
قوانين اساسي و عادي نبايد توسط آئين نامه و بخش نامه ها ، باطل شود يا نقض شود .

Vokala.blog.ir